



شاکتی، آمیزه‌ای از سنت و مدرنیسم

از زمان ظهور گروه شاکتی (SHAKTI)، یعنی یک ربع قرن پیش وضعیت این گروه به طرز شگفت‌انگیزی تغییر کرده است. گروه شاکتی که در سال ۱۹۷۵ تشکیل شد اولین گروهی بود که از تلفیق موسیقی غرب و شرق در ترانه‌هایش استفاده کرده است. این گروه که نامش به معنای ذهن خلاق، زیبایی و قدرت است متشکل از افراد زیر می‌باشد: جان مک لافلین (Laughlin) (John Mc Hussain) نوازنده هندی تابلای شانکار (Shankar) نوازنده ویولن و ویکو وینایاکرام (Vikku Vinayakram) نوازنده ققام (ghatam). شانکار و ویکو هر دو اهل هند جنوبی هستند و زکیر حسین اهل هند شمالی. این گروه توانستند با موفقیت از عهدۀ ترکیب آداب و رسوم‌های متفاوت برآیند و موسیقی روان و یکدستی را به دوستدارانشان عرضه کنند.

حسین می‌گوید: «گاهی اوقات انسان وسوسه می‌شود که با فراتر نهاده و کاری جدید و منحصر به فرد انجام دهد، آن هم زمانی که مردم هنوز به آداب و سنن قدیمی وفادارند.» جان از ارکستر Mahavishnu که یک گروه بسیار معروف جاز-راک می‌باشد، جدا شده است و از بسیاری جهات می‌توان گفت که جان، با این کار به نوعی از خودگذشتگی کرد، چرا که در این میان، بسیاری از طرفدارانش را از دست داد.

مک لافلین بر این باور است که فقدان دانش کلی، شناخت و عدم آمادگی جهان موسیقی در زمان پیدایش گروه شاکتی، در ابتدا مانعی برای این گروه به حساب می‌آمد.

مک لافلین می‌گوید: «باید بگویم وقتی من گروه شاکتی را تشکیل دادم، گروه ضعیفی تلقی می‌شد.

پس از جدایی من از گروه

Mahavishnu

با موزیسین‌های

هندی روی

یک فرش

می‌نشینم.

همه فکر

می‌کردند

که من

ع و ض

شده‌ام. کمپانی

ضبط موسیقی و

مدیر برنامه‌های

من، هیچ‌گاه این

قضیه را





آهنگهای این آلبوم، چندان متأثر از موسیقی غربی نیست. قسمت عمده و اصلی این ترانه‌ها - مانند تمامی موسیقی‌های کلاسیک هند - راگا (Raga) می‌باشد که یک موسیقی ملودیک و سازمان یافته است. نقطه اوج، توالی نت‌ها و ارتباط و تعامل ظریف و پیچیده هر یک از نت‌ها از عوامل بسیار مهم در ایجاد و اجرای راگا می‌باشد

به خوبی درک نکردند. از لحاظ هنری، همکاری با موزیسین‌های هندی، واقعاً بی‌نظیر بود. ولی آنها فکر می‌کردند که من دیوانه شده‌ام.»

حسین می‌گوید: «کمپانی‌های ضبط موسیقی و شرکت‌های تبلیغاتی نمی‌دانستند که شاکتی را چه بنامند! و یا موسیقی گروه شاکتی در دنیای موسیقی چه جایگاهی دارد. به همین علت آنها با تردید و دودلی بسیار به این گروه می‌نگریستند، ولی من حس می‌زنم که آنها به اشتباه خود پی برده‌اند چرا که شاکتی با همه این تفاسیر، هنوز موضع خود را حفظ کرده است. شروع فعالیت‌های مجدد گروه در سال ۱۹۹۷ بود. یعنی بعد از این که حسین توسط انجمن هندی انگلستان، برای پیوستن دوباره به گروه به منظور برگزاری تور در بریتانیا دعوت شده حسین و مک لافلین از زمان فروپاشی گروه در سال ۱۹۸۷، هنوز دوست و همکار یکدیگر باقی مانده‌اند و حتی در گردهم‌آیی مجدد گروه به منظور برگزاری تور در هندوستان در سال ۱۹۸۴ نیز شرکت داشته‌اند. کنسرت ۱۹۹۷، متشکل از اعضای قدیمی گروه بود: ویکو و هارپراساد چاراسا (Hariprasad Chaurasia) نوازنده هندوستانی بانسوری (bansuri). دو CD حاصل از این کنسرت دربرگیرنده تمام اجرای این گروه در این کنسرت می‌باشد. مک لافلین می‌گوید: «من با زکیر در مورد ضبط اجرایمان در هنگام تمرین صحبت کردم و این کار فقط سه ساعت از وقت اعضای گروه را می‌گرفت. من به او گفتم که ممکن است دیگر در چنین موقعیتی قرار نگیریم. پس بهتر است از این اجرا، یادگاری برای خودمان داشته باشیم و او هم پیشنهاد مرا پذیرفت. چون وقتی زمان می‌گذرد، انسان نمی‌داند که آیا آن لحظات دوباره به همان شکل تکرار می‌شوند یا نه؟ به همین خاطر ما این کار را ضبط کردیم، ولی وقتی پس از اتمام کار به آن گوش دادیم، فکر کردیم که اگر از این کار، یک فیلم ویدئویی داشتیم چقدر عالی بود!

برخلاف برخوردهای غامض و نه‌چندان جالب کمپانی کلمبیا در هنگام ضبط اولین آلبوم شاکتی در سال ۱۹۷۵، کمپانی Verve بسیار مایل بود تا با این گروه همکاری کند. مک لافلین می‌گوید: «من واقعاً باید از کمپانی Verve تشکر و قدردانی کنم، چون آنها برای تهیه و آماده‌سازی CDهای مربوط به اجرا، بسیار زحمت کشیدند. این CDها بسیار متفاوت از کارهای قبلی نظیر Shakti، Handful of beauty و Natural elements می‌باشد. این سه آلبوم مذکور مربوط به فعالیت‌های گروه در دهه هفتاد می‌باشد.

در آلبوم Remember Shakti، مک لافلین ۵۷ساله و حسین ۴۸ساله ترجیح دادند تا کار در فضای متعادل‌تر، فکورانه‌تر و با حال و هوایی سنتی جریان یابد.

آهنگهای این آلبوم، چندان متأثر از موسیقی غربی نیست. قسمت عمده و اصلی این ترانه‌ها - مانند تمامی موسیقی‌های کلاسیک هند - راگا (Raga) می‌باشد که یک موسیقی ملودیک و سازمان یافته است. نقطه اوج، توالی نت‌ها و ارتباط و تعامل ظریف و پیچیده هر یک از نت‌ها از عوامل بسیار مهم در ایجاد و اجرای راگا می‌باشد. موسیقی کاملاً به همان سبک و سیاق هندی‌ها پیش می‌رفت و این مسأله را می‌شد به خوبی از حضور راگا، نوازندگی‌های دسته‌جمعی و بداهه‌نوازی‌های تک‌نوازان احساس نمود.

مک لافلین می‌گوید: «ما به عنوان موزیسین، براساس نت‌هایی که داریم می‌نوازیم، و البته همه ما آرزو می‌کنیم که این ملودی‌ها را درست بنوازیم، ولی این مسأله تنها نیمی از کار ماست. جنبه دیگر کار که از اهمیت بسیاری برخوردار است، ارتباط موزیسین‌ها با یکدیگر، نحوه اجرا و انرژی و نشاطی است که در اثر این تعامل

ایجاد می‌شود. تأثیر متقابل و رابطه متقابل دو بخش جدایی‌ناپذیر در موسیقی می‌باشند. آنها همانند نت‌ها از اهمیت بسیاری برخوردارند.»

در مورد موسیقی کلاسیک هندوستان دو روایت وجود دارد: یکی موسیقی کارناتیک (Karnatic) که مربوط به هند جنوبی است و دیگری موسیقی هندوستانی (Hindustani) که مربوط به هند شمالی می‌باشد. اگرچه هر دوی آنها خاستگاه مشترکی دارند اما تئوری موسیقایی و متد هر یک از آنها متفاوت است. موسیقی کارناتیک رسمی‌تر از هندوستانی است، چون روی آداب و رسوم تأکید بیشتری دارد. در صورتی که موسیقی هندوستانی از نظر و برنامه‌ریزی کمتری برخوردار است به طوری که می‌توان تغییرات بسیاری را در روند اجرای آن ایجاد نمود و گروه شاکتی در این بین تلاش نمود تا پل ارتباطی بین سنت کارناتیک و هندوستانی ایجاد کند.

بعد از اینکه شاکتی این مسأله را مطرح کرد، موسیقی هند تنها نباید به هندوستان محدود شود و می‌توان از اصل تلفیق موسیقی نیز استفاده کرد. موزیسین‌های هندی از آن پس احساس آزادی بیشتری می‌کردند. شاکتی جز اولین گروه‌هایی بود که این مرزها و محدودیت‌های موسیقایی را درهم شکست. حسین می‌گوید: «ما چهار نفر در حکم یک نفر بودیم. ما در آن موقع بسیار جوان بودیم و دغدغه‌خاطری برای آزمایش چیزهای متفاوت و جدید نداشتیم. ما تنها می‌نشستیم و می‌نواختیم. قبلاً وقتی گروهی از مردم با فرهنگ‌های متفاوت شروع به ساختن موسیقی می‌کردند، نهایت همه آن افراد از موسیقی یک فرهنگ تبعیت می‌کردند و موسیقی فرهنگ‌های دیگر به کنار گذاشته می‌شد و در این میان آدم‌های سنت‌گرایی وجود داشتند که معتقد بودند آداب و رسومشان باید حفظ شود. پدر حسین، استاد آلاکاخا (Allarakha Ustad) یکی از آن سنت‌گرایان بزرگ است.

وی که یکی از محترم‌ترین نوازندگان تایلاند در هندوستان می‌باشد، در ابتدا در مورد پیوستن پسرش به گروه شاکتی، نظر چندان مساعدی نداشت. حسین می‌گوید: «پدرم فکر می‌کرد که نام من باید به عنوان یک موزیسین هندی باقی بماند. اوایل او با این

قضیه به راحتی کنار نمی‌آمد و نگران بود که میادا من از هند خارج شوم و بدین ترتیب ارتباطم با





می‌باشد که نیاز به هیچ‌گونه ابزاری ندارد. شما از صدا و دست‌هایتان برای این کار استفاده می‌کنید و برای تشخیص سادگی و پیچیدگی اصول ریتم و وزن نیازی به یادگیری ساز ضربی ندارید. این سیستم، روشی است که من آن را به همه شاگردانم توصیه می‌کنم، ولی همان‌طور که گفتیم ریتم یک اصل جهانی است و اگر شما بتوانید Konakkol را کاملاً درک کنید، هر ریتمی از هر کشور در این کرهٔ خاکی را می‌فهمید. اگر شما بتوانید یک ریتم را بخوانید، این بدان معناست که شما آن را درک می‌کنید. ویکو و چاراشا در زمان برگزاری تور سال ۱۹۹۹ حضور نداشتند. پسر ویکو، سلواگاناش (Selvaganesh) جایگزین پدرش شد و نوازندهٔ ماندولین سرینیواس (Serinivas) این گروه چهار نفری را تکمیل کرد. مک لافلین می‌گوید: «گروه شاکتی با حضور هاریپراساد بسیار متفاوت از این گروه با حضور سلواگاناش و سرینیواس می‌باشد. زمانی که شما یک فرد را در گروه عوض می‌کنید، شکل کلی گروه عوض می‌شود. به همین علت هنرنمایی‌هایی نیز در هنگام ضبط آلبوم وجود دارد، ولی به‌خاطر صدای حزن‌انگیز و دلنشین فلوت هاریپراساد، تمام اعضای گروه به‌طور اتوماتیک خود را با او هماهنگ می‌کنند. موسیقی که توسط زکیر و سلواگاناش نواخته می‌شود، با آن موسیقی که ویکو و زکیر می‌نوازند، بسیار متفاوت است. ساز اصلی سلواگاناش، کانجیرا (Kanjeera) می‌باشد، ولی ققام (Ghatam) نیز می‌نوازد.

سرینیواس نیز در نوع خود هیولایی است. ما در گروه از گیتار و ماندولین برقی استفاده می‌کنیم که در مجموع ترکیب بسیار جالبی از تضاد و هارمونی به دست می‌آید. مک لافلین و حسین هر دو از بکارگیری فرم‌های مختلف موسیقایی یعنی فرمی غیر از جاز و موسیقی کلاسیک هندی احساس رضایت دارند. به‌عنوان مثال آلبوم Promise که در سال ۱۹۹۵ توسط مک لافلین منتشر شده بود، شامل محیط و عناصر جنگلی می‌شد. مک لافلین می‌گوید: «من موسیقی‌های بسیاری را از گروه‌های زیرزمینی انگلیسی شنیده‌ام که از عناصر جنگلی و حال و هوای آن در کار خود استفاده کرده بودند. البته کارهای چندان قوی در این زمینه وجود نداشته است. من به توانایی‌های هر نسل که با موسیقی دوره خودشان کنار می‌آیند،



زادگام قطع شود، ولی من او را متقاعد کردم که چنین اتفاقی نمی‌افتد. من موسیقی کلاسیک هند را می‌نوازم و غالباً نیز برای برگزاری کنسرت به هندوستان می‌آیم و طرفدارانم نیز مرا به‌عنوان یک موزیسین هندی کلاسیک قبول دارند. در حال حاضر من هشتاد درصد از اوقات بیکاری‌ام را صرف نواختن موسیقی کلاسیک هندی می‌کنم و به‌ندرت اتفاق می‌افتد که موسیقی دیگری بنوازم.»

خوشبختانه مک لافلین با آغوش باز از موسیقی کلاسیک هند استقبال کرده است. حسین می‌گوید: «وقتی من با جان کار می‌کنم، اصلاً فکر نمی‌کنم که با یک موزیسین غربی همکاری می‌کنم. جان این فرصت را داشته است تا در مورد موسیقی کلاسیک هندوستان مطالعاتی داشته باشد. همان‌طور که من نیز در مورد موسیقی غربی مثل پاپ، راک و جاز مطالعه و تحقیق کرده‌ام. من هیچ‌گاه احساس نکردم که با یک شخص غریبه که دارای آداب و رسوم متفاوتی می‌باشد کار می‌کنم و البته او نیز چنین احساسی دارد.

مک لافلین در این باره می‌گوید: «کشف موسیقی هند برای من مسأله خارق‌العاده‌ای بود. من ابتدا مبهور و شیفته زیبایی آن شدم و سپس تسلط در بداهه‌نوازی‌هایی که هم در موسیقی شمال و هم در موسیقی جنوب هندوستان به چشم می‌خورد. ارتباط این موسیقی با موسیقی من که جاز می‌باشد، بی‌نظیر بود. بین موسیقی غرب و موسیقی هندوستان وجه اشتراک بسیاری وجود دارد. مسأله ریتم و وزن یک اصل جهانی است که به فرهنگ خاصی تعلق ندارد، ریتم همان ریتم است چه مربوط به آفریقا باشد چه برزیل، چه بمبئی و...»

بداهه‌نوازی در جاز بدون تبجر و مهارت در ریتم و ضرباهنگ، موجب سردرگمی و پریشانی می‌شود. در موسیقی کلاسیک هندوستان این مهارت اغلب از طریق Solkattu تعلیم داده می‌شود. Solkattu همان علم «ریتم کلامی» است. یک روش کمکی دیگر، Konakkol نامیده می‌شود که تاحدودی شبیه سولفز غربی‌ها می‌باشد.»

مک لافلین وقت و انرژی زیادی را برای فهمیدن، به‌کار گرفتن و تعلیم دادن این تکنیک‌ها صرف کرده است. وی می‌گوید: «Konakkol یک سیستم بسیار عالی در مورد ریتم‌های هندی

بداهه‌نوازی در جاز بدون تبجر و مهارت در ریتم و ضرباهنگ، موجب سردرگمی و پریشانی می‌شود. در موسیقی کلاسیک هندوستان این مهارت اغلب از طریق Solkattu تعلیم داده می‌شود. Solkattu همان علم «ریتم کلامی» است. یک روش کمکی دیگر، Konakkol نامیده می‌شود که تاحدودی شبیه سولفز غربی‌ها می‌باشد.»



و نمایندگان فروش را متقاعد کنیم تا محصولات ما را بفروشند و به آنها تفهیم کنیم که کارهای ما بیشتر از این ارزش دارد که در قفسه فروشگاهها بماند و کسی آنها را تبلیغ نکند. اگر چه نام من به فروش این آلبومها کمک می‌کند.»

من به یاد دارم که یکبار مک لافلین از موسیقی به‌عنوان «موهبت پروردگار» نام برد. ما همگی از یکجا آمده‌ایم و همگی نیز به سوی او باز می‌گردیم و نمی‌توانیم از یکدیگر جدا شویم. اگر چیزی حقیقتاً درست باشد باید زیبا نیز باشد و موسیقی نیز زیباست، پس باید درست و صحیح نواخته شود.»

مک لافلین معتقد است: موسیقی با بعضی از مهمترین حوادث تاریخی هزاره ارتباط برقرار کرده است. پایان این هزاره اهمیت دارد ولی این مسأله چیزی است که تنها در ذهن مردم جای دارد. من از نقشی که موسیقی به‌عنوان یک عامل انقلاب‌کننده و محرک ایفا می‌کند، بسیار خوشحال و راضی هستم. حال چه این موسیقی پانک باشد، چه راک، من بی‌چون و چرا و کاملاً به موسیقی ایمان دارم و نسبت به آینده آن بینهایت امیدوار.

اطمینان و اعتماد کامل دارم. تنها چیزی که مرا واقعاً متعجب می‌سازد، این است که بعضی از این جوانان، مانند گروههای زیرزمینی انگلیسی، چیز زیادی در مورد موسیقی نمی‌دانند. دانش آنها در این زمینه بسیار محدود است ولی آنچه که مرا جذب می‌کند و برایم جالب است، استفادهٔ بهینه آنها از این دانش محدود است.»

بیل لاسول (Bill Laswell) تهیه‌کننده نیویورکی آلبوم‌های حسین در مورد وی می‌گوید: «زکیر یکی از بزرگترین استادان تابلا می‌باشد و هیچ موزیسینی نمی‌تواند بهتر از او هر ریتمی را بر روی سازهای مختلف پیدا کند. او انسان روشنفکری است و دوست دارد هر چیزی را در موسیقی آزمایش کند. او با افرادی نظیر جرج هریسون، ون موریس، گروه Sacred System، Matenal و... همکاری داشته است و پیوسته در تلاش است تا موسیقی هندوستان را به گوش همه جهانیان برساند.» حسین خود در این باره می‌گوید: من فکر می‌کنم اوضاع باید همین‌گونه باشد. ارتباط من با موسیقی، از همان ابتدا همیشه پرماجرا بوده است. پیوند من با زادگاهم، به قدری مستحکم و قوی بوده که دنیای اطرافم نتوانسته است مرا فریفته خود سازد. به همین خاطر من احساس کردم که می‌توانم موسیقی ملل دیگر را نیز بیازمایم و با مردمان کشورهای دیگر نیز همکاری داشته باشم.» به‌عنوان مثال اولین همکاری او با Mickey Hart از گروه Dram Planet بود. این گروه متشکل از چندین نوازندگان حرفه‌ای سازهای ضربی یا کوبه‌ای از جمله Olatunji و Giovanni Hidalgo و Moreria Airtu Babatunde می‌باشد. حسین می‌گوید: «وقتی من با میکی کار می‌کنم، او هر چیزی را برای ساخت موسیقی امتحان می‌کند. مثل صدای پرت کردن فلز روی زمین و یا آتش درست کردن در مزرعه و قرار دادن یک میکروفون در آنجا تا صدای سوختن را به‌طور دقیق ضبط کند. وقتی شما به یک کمپانی ضبط موسیقی می‌روید، ابتدا وارد استودیو می‌شوید و کار را ضبط می‌کنید و سپس نوار آن ارسال می‌شود و شما آن را در فروشگاهها می‌بینید. بین ارسال این نوارها و رسیدن آنها به فروشگاهها، موزیسین‌ها نمی‌دانند که چه بلایی بر سر آلبوم آنها می‌آید و من معتقد بودم که این سیستم باید عوض شود و موزیسین‌های هندی بتوانند بر تولیداتشان نظارت داشته باشند. برای ما خیلی سخت است که توزیع‌کنندگان

به یاد دارم که
ر مک لافلین از
سبقتی به‌عنوان
هبت پروردگار»
برد. ما همگی
کجا آمده‌ایم و
نی نیز به سوی
باز می‌گردیم و
نمی‌توانیم از
یگر جدا شویم.
چیزی حقیقتاً
ست باشد، باید
زیبا نیز باشد و
موسیقی نیز
ست، پس باید
ست و صحیح
نواخته شود

